

در چهارمین جشنواره فیلم عمار سینما فلسطین عنوان شد:

حجت الاسلام پناهیان: می‌توان رفتارهای منافقانه را شناسایی کرد بدون اینکه به کسی برچسب منافق بزنیم/ اگر جشنواره صددرصد مردمی عمار مورد استقبال برخی سیاسیون قرار نگیرد، معلوم می‌شود ابراز علاقه آنها به مردمی شدن فرهنگ سخن مزورانه‌ای است/ ما سکولارها را با تروریست‌هایی که در سوریه جنایت می‌کنند، یکی می‌دانیم/ در ادبیات امام، کسانی که فرهنگ لیبرالی را در جامعه منتشر می‌کنند با افراطیونی که سرمی‌بُردند هیچ تفاوتی ندارند. جالب اینجاست که افراطیون خون‌آشام وقتی می‌خواهند جبهه حق را بکوبند، آنها را با اتهام‌های لیبرالی می‌کوبند و لیبرال‌هایی که دوقلوهای همسان تروریست‌های افراطی هستند، وقتی می‌خواهند جبهه مقاومت را بکوبند آنها را با برچسب‌های افراطی می‌کوبند و در این میان جبهه مهربان مقاومت قرار دارد که تنها و مظلوم است.

بخش‌هایی از این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

وقتی در یک جامعه، ارزش‌ها حاکم شوند باید علی‌القاعده شاهد جریان نفاق باشیم/ در جامعه ما که هر روز بر قدرت و نفوذ فرهنگ دینی افزوده می‌شود باید منتظر ظهور انواع جلوه‌های نفاق در همه عرصه‌ها باشیم

- وقتی در یک جامعه، ارزش‌ها حاکم شوند؛ یعنی حاکمیت فکری، فرهنگی یا سیاسی پیدا کنند، علی‌القاعده باید شاهد جریان نفاق باشیم. نفاق یعنی همان جریانی که تظاهر به همراهی با ارزش‌ها می‌کند ولی عملاً و پنهانی از ارزش‌ها فاصله می‌گیرد. نفاق پدیده شومی است که می‌تواند همه مردم را از ارزش‌ها بیزار کند و حال مردم را از دین و ارزش‌ها به هم بزند.
- نفاق مشکل بزرگی است که جامعه مدینه پای رکاب پیامبر اکرم(ص) و جامعه کوفه پای رکاب امیرالمؤمنین(ع) نیز دچار آن بود. هر چه بر قدرت اسلام و نفوذ ارزش‌ها در جامعه افزوده می‌شود باید به طور طبیعی انتظار فراوان‌تر شدن انواع جدید رفتارهای منافقانه را داشته باشیم. امروز در جامعه جهانی هم معنویت در حال گسترش است، چه رسد به جامعه ما که پیشتر از معنویت ناب و اصیل اسلامی بوده است. پس در جامعه ما که هر روز بر قدرت، نفوذ و حاکمیت فکر و فرهنگ دینی افزوده می‌شود طبیعتاً باید منتظر ظهور انواع جلوه‌های نفاق در همه عرصه‌ها باشیم.

باید مراقب کسانی باشیم که تظاهر به ارزش‌ها می‌کنند ولی محتوای قلم و قدمشان از ارزش‌ها برخوردار نیست

- از یک سو باید مراقبت کنیم که خودمان هیچ‌گاه دچار تظاهر نشویم و از طریق تظاهر به ارزش‌ها دنبال نان و نامی نباشیم و از سوی دیگر باید مراقب دیگری باشیم که ممکن است تظاهر به ارزش‌ها کنند ولی درون و محتوای قلم و قدمشان از ارزش‌ها برخوردار نباشد. در چنین شرایطی، طبیعی است کسانی که دستی به قلم یا هنر و رسانه دارند در معرض چنین سوءظنی قرار بگیرند.

- وقتی نمی‌شود حاکمیت اسلامی را هدف قرار داد، کسی که انتقاد به‌جا یا نابه‌جایی از یک حکومت دینی دارد، مثلاً به این نتیجه می‌رسد که این انتقادهای را از یک حاکمیتی در دوران قاجار مطرح کند، تا آسیب‌های کمتری به او برسد. یک صورت دیگر از تظاهر و نفاق هم این است که ما برخی از اصول مقدس و غیرقابل خدشه را به ظاهر احترام بگذاریم اما آنها را در دیگر مضامین کارهای خودمان از محتوا خالی کنیم، مثلاً در جامعه‌ای که عالم دینی محترم است، اگر خواستیم فیلمی علیه عالمان دینی بسازیم، در ظاهر فیلم، این احترام را حفظ کنیم ولی در باطن و مضمون و محتوای فیلم حرف دیگر خود را مطرح کنیم. به اینها می‌گویند رفتارهای منافقانه.

- یک زمانی در این جامعه بعضی‌ها رسماً می‌گفتند که دوران ارزش‌های دفاع مقدس به سر آمده، اما الان بعد از سال‌ها معلوم شده است که ارزش‌های دفاع مقدس حتی عمیق‌تر از دوران دفاع مقدس، در جامعه جا پیدا کرده است. لذا امروز اگر کسی بخواهد بر علیه ارزش‌های دفاع مقدس سخن بگوید، طبیعتاً به سراغ این می‌رود که با کاری که به ظاهر پوششی از دفاع مقدس دارد، سخنان خود را علیه دفاع مقدس بگوید و این یک امر رایج در طول تاریخ بشریت است. به همین دلیل است که خداوند منافقان را بدتر از کافران می‌داند.

می‌توان رفتارهای منافقانه را شناسایی کرد بدون اینکه به کسی برچسب منافق بزنیم

- البته به سادگی نمی‌توان و نباید به کسی برچسب نفاق زد. اصلاً حساسیت و اهمیت نفاق در همین است که به سادگی به کسی نمی‌شود گفت، منافق. چون اگر کفر یک کسی برملا شد، او دیگر منافق نیست بلکه کافر است و تا وقتی کفرش برملا نشده به حکم ظاهر اسلامی و ایمانی‌اش باید او را مؤمن تلقی کرد. اما می‌توان رفتارهای منافقانه را شناسایی کرد بدون اینکه نیاز باشد به کسی برچسب منافق بزنیم.
- نفاق انواع و اقسام دارد و برخورد با نفاق بسیار سخت و پیچیده است. یکی از انواع نفاق که شاید از چپ‌تری نوع نفاق باشد، نفاق ناخودآگاه است. یعنی خود انسان هم نداند دچار نفاق شده. مثلاً بخشی از دین را قبول کرده و بخشی را قبول نکرده است و شدیداً با آن بخشی که قبول نکرده مخالف است ولی هنوز متوجه نشده است. برخی از انواع نفاق هم هست که برای خود انسان، پیداست ولی برای دیگران پیدا نیست.

وقتی هشیاری نسبت به نفاق افزایش پیدا کند، می‌توان گفت آمادگی برای ظهور و فرج افزایش پیدا کرده

- هر چه هشیاری نسبت به نفاق افزایش پیدا کند، آمادگی برای ظهور و فرج هم افزایش پیدا کرده است؛ چون در دوران حاکمیت امام زمان(ع) نفاق و اهل نفاق ذلیل خواهند شد و ویژگی «تُذَلُّ بِهَا النَّفَاقُ وَ أَهْلُهُ» (کافی/۳/۴۲۴) که شب‌های رمضان هم در دعای افتتاح می‌خوانیم پدید خواهد آمد.
- پس از ظهور که دوران حاکمیت مطلق ارزش‌هاست، چگونه نفاق و اهلس ذلیل می‌شوند؟ در آن دوران، کسانی که می‌خواهند منافقانه رفتار کنند دیگر نمی‌توانند از هر گوشه و کنایه‌ای استفاده کنند و حرف‌های چندپهلوی بزنند، چون همه مردم این گوشه و کنایه‌ها را می‌شناسند و فرصتی برای حرف‌های چندپهلوی باقی نمی‌ماند که منافقان بخواهند مخالفت خود با ارزش‌ها را لابلای سخنان چندپهلوی خود پنهان کنند.

وقتی مردم انواع جلوه‌ها و کرشمه‌های منافقانه را بشناسند، نفاق ذلیل می‌شود و دیگر فرصتی برای عرض اندام پیدا نخواهد کرد. به عنوان مثال وقتی مردم نفاق را بشناسند از بوی کلمات و چگونگی صحبت کردن کسی که دربارهٔ قانون صحبت کند می‌توانند بفهمند که گرایش او به قانون مکتوب، در واقع تلاشی برای مقابله با امر ولایت است که می‌تواند در لحظات حساس و برای رفع بحران‌ها، فرامینی غیر از قوانین مکتوب صادر کند. در این صورت دیگر کسی نمی‌تواند با گرایش به قانون مکتوب علیه ولایت سوء استفاده کند.

آن‌جایی که مقابل امیرالمؤمنین (ع) می‌گفتند: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ؛ کتاب خدا برای ما کافی» واقعاً طرفدار کتاب خدا نبودند بلکه کتاب خدا را بهانه‌ای قرار داده بودند تا علیه قرآن ناطق - یعنی امیرالمؤمنین علی (ع) - بشورند و سخن آنها کاملاً منافقانه بود. آن کسانی که گفتند: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» و مقابل علی (ع) ایستادند واقعاً معتقد به حکم خدا نبودند، بلکه این آیه قرآن را گرفته بودند تا علیه حاکمیت ولی خدا بشورند.

برخی از گروه‌های سیاسی هر موقع از آزادی دم می‌زنند، منظورشان آزادی اپوزوسیون و ضدانقلاب است

البته خارج از محیط‌های مذهبی هم نفاق وجود دارد. آنجا که از ارزش‌های انسانی به صورت منافقانه سخن می‌گویند. نفاقی که امروز در جهان هست، نفاق بسیار زشتی است. مثلاً سیاسیون غربی از آزادی صحبت می‌کنند ولی منظورشان فقط آزادی صهیونیست‌ها است. یا مانند برخی از گروه‌های سیاسی داخلی که هر موقع از آزادی دم می‌زنند، منظورشان آزادی اپوزوسیون و ضد انقلاب منحرف است نه آزادی مردمان خوب. کما اینکه ما دیده‌ایم همان گروه‌های سیاسی دربارهٔ مردمان خوب، عکس این شعار آزادی خودشان عمل کرده‌اند. کسانی که از آزادی دم می‌زنند با بدترین برخوردهای دیکتاتورمانه و امنیتی، با نیروهای مذهبی‌ای که هیچ رفتار افراطی‌ای از آنها دیده نشده بود عمل کردند و حتی برخی محیط‌ها و محافل مذهبی را پلمب کردند.

امروز به دلیل رشد روزافزون معنویت، باید انتظار داشته باشیم که تمام مفاهیمی که مد نظر ایلوس است در پوشش معنویت و کلمات به‌ظاهر خوب به بازار بیاید و این یک اتفاق طبیعی است که کم و بیش سال‌هاست شروع شده است. سال‌هاست که ما شاهد رفتار و گفتار و آثار منافقانه هستیم، بدون اینکه بخواهیم تولید کنندگانش را منافق بنامیم. تفکر غیرانقلابی که معتقد به سازش با ظالم است، و تفکر سکولار که معتقد به حذف خدا از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است، و بسیاری از تفکرات منحرف دیگر که از تئوریزه کردن «پرستش هوای نفس» در مغرب زمین نشأت می‌گیرد در قالب فیلم‌ها و مقاله‌های به ظاهر خوب وارد جامعه ما شده و در آینده بیشتر از این شاهد چنین اتفاق‌هایی خواهیم بود، مگر اینکه مردم آن‌قدر با هوشیاری فضا را دنبال کنند که جایی برای سخن منافقانه باقی نماند.

اگر جشنوارهٔ صددرصد مردمی عمار مورد استقبال برخی سیاسیون قرار نگیرد، معلوم می‌شود ابراز علاقه

آنها به مردمی شدن فرهنگ سخن مزورانه‌ای است

جشنوارهٔ عمار که چند سال است به عنوان یک جشنوارهٔ صد در صد مردمی برگزار می‌شود طبیعتاً باید مورد استقبال برخی از سیاسیون که دوست دارند فرهنگ مردمی باشد، قرار بگیرد. اگر مورد استقبال قرار نگیرد معلوم می‌شود که این ابراز علاقه نسبت به مردمی شدن فرهنگ، سخن مزورانه‌ای است.

اگر مردمی شدن فرهنگ به همین معناست که ما شاهد چنین جشنواره‌هایی باشیم، این خیلی زیباست اما اگر معنای مردمی شدن فرهنگ به این معناست که فرهنگ به دست کسانی سپرده شود که علیه مردم می‌اندیشند، معلوم می‌شود سخن از مردمی شدن فرهنگ، سخن منافقانه‌ای بوده است و یا در مقام عمل لباس نفاق به خودش پوشیده است.

یکی از جلوه‌های مردمی شدن فرهنگ را باید در جشنوارهٔ عمار جشن گرفت

البته فرهنگ باید مردمی هم باشد و مردم خودشان پای دین بایستند و خودشان باید هنرمندانی تربیت کنند که از دین‌شان دفاع می‌کنند؛ دولت هم وظیفهٔ خودش را دارد. در این زمینه مردم دیندار و دینخواه ما کم‌کاری کرده‌اند و شاید جشنوارهٔ عمار اندکی بتواند کم‌کاری‌های گذشته را جبران کند. یکی از جلوه‌های مردمی شدن فرهنگ را باید در جشنوارهٔ عمار، جشن گرفت و این جشنوارهٔ عمار در عرصهٔ فیلم، باید در عرصه‌های دیگر هم تکثیر شود و به صورت تخصصی برگزار شود. و هر کسی که در هر زمانی از حق دفاع می‌کند، باید اثر خودش را در جشنواره‌های تخصصی در موضوعات مختلف به بازار بیاورد.

چرا مردم دیندار زودتر از این‌ها به برپایی جشنواره‌هایی مثل جشنوارهٔ عمار نپرداختند در حالی که سال‌ها می‌دیدند جشنواره‌های دیگری مثل جشنوارهٔ فجر، تأمین‌کنندهٔ نیازهایی نیست که امروز جشنوارهٔ عمار دارد آن نیازها را برآورده می‌کند؟ این به خاطر خوبی مردم دیندار ماست که در طی سال‌ها، به سیاستمداران خودشان زیادی اعتماد کرده‌اند و تصور می‌کردند که حتماً آنها به فکر هستند. اما وقتی بعد از سال‌ها دیدند که انواع و اقسام مدیران و سیاستمداران به همهٔ مسائل نمی‌اندیشند، کم‌کم خودشان دست به کار شدند.

به تولیدکنندگان آثار هنری این جشنواره عرض می‌کنم که مطمئن باشید بیندگانی که آثار شما در جهان دارد بسیار بیشتر از بیندگانی در محیط‌های تخصصی این موضوع در جامعهٔ خودمان است، لذا به عشق آنهايي که در همهٔ جهان تشنهٔ این آثار هستند، کارهای خود را تولید کنید. چون سال‌هاست که فرهنگ انقلاب اسلامی به جان‌های شیفتهٔ حق سرایت پیدا کرده است.

وقتی می‌خواهیم از نفاق بگذریم باید با منظورها کار داشته باشیم نه منطوق‌ها/ اگر کسی هنری را در

خدمت سیاهی و ابتذال قرار داد در واقع زیبایی را در خدمت زشتی قرار داده

برخی از دوستان می‌پرسند: آیا هنر خوب و ارزشی و هنر بد و غیر ارزشی داریم یا اینکه همهٔ هنرها خوب و ارزشمند هستند؟ پاسخ این است که هر دو عبارت درست است؛ مهم این است که منظور گویندهٔ این جملات چه باشد. ما می‌توانیم سر الفاظ دعوا نداشته باشیم، سر معانی باید گفتگو کنیم و ببینیم که منظور طرف چیست؟ وقتی می‌خواهیم از نفاق بگذریم باید با منظورها کار داشته باشیم و زیاد با منطوق‌ها(الفاظ) کار نداشته باشیم.

ما می‌توانیم این عبارت را بپذیریم که «هنر هرچه هست، خوب است و ارزشمند»، آنگاه اگر اثر هنری در خدمت علاقمند کردن مردم به غرایز و خوی حیوانی قرار گیرد، این اصلاً هنر نیست، حتی هنر برای هنر هم نیست، بلکه دغلبازی و قرار دادن زیبایی در خدمت زشتی است و به همین دلیل اصلاً زیبا نیست. اگر کسی اثری را در خدمت سیاهی و ابتذال قرار داد در واقع زیبایی را در خدمت زشتی قرار داده است و هنرمندی که این کار را انجام دهد، اصلاً هنرمند نیست چون به کشف هیچ زیبایی‌ای در این عالم کمک نکرده است.

جشنواره عمار تا وقتی به تعریف امام(ره) از هنر پایدار باشد، نام عمار زیننده‌اش خواهد بود

- برای اینکه معنای واقعی هنر و زیبایی را بیان کنیم، از یکی از کلمات حضرت امام(ره) استفاده می‌کنیم که در آخرین سال حیات‌شان فرمود: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - اسلام امته هدی - علیهم السلام - اسلام فقراي دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیتها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد، و در یک کلمه، اسلام امریکایی باشد... هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زلوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب، و در رأس آنان امریکا و شوروی، را بیاموزد» (صحیفه امام/ج ۲۱/ص ۱۴۵)

تصور می‌کنم که جشنواره عمار تا وقتی پای این کلام حضرت امام(ره) بایستد و به این تعریف حضرت امام(ره) از هنر پایدار باشد، نام عمار زیننده‌اش خواهد بود. جشنواره فجر هم اگر به این سخن امام(ره) وفادار باشد به واقع می‌توان گفت جشنواره فجر انقلاب اسلامی است و الا جشنواره فجر انقلاب نیست بلکه فقط یک جشنواره است برای کسانی است که به غیر از سخنان امام(ره) جشن می‌گیرند.

• ما در کشور خودمان نهادهای هنری‌ای نداریم که رسماً و قانوناً خودشان را موظف بدانند که این کلمات حضرت امام(ره) را پیگیری کنند، بلکه به طور کلی در عرصه هنر، خدماتی ارائه می‌دهند. البته این اقتضای جامعه بازی است که ما در آن قرار داریم، چون جامعه ما مثل جوامع منحوس دیکتاتوری به ظاهر دموکراسی در غرب، بسته نیست، بلکه در اینجا افراد می‌توانند از بیشترین امکانات حکومت و از بیشترین فرصت‌ها استفاده کنند و منافقانه‌ترین سخنان و شرم‌آورترین پیام‌ها را در جامعه منتشر کنند. بخش‌های آزاد جامعه ما کمتر دیده می‌شود. شاید بخشی از فعالیت بچه‌های عمار که عمارگونه می‌اندیشند، ترسیم همین آزادی‌ای باشد که در جامعه ما هست و در هیچ جامعه‌ای وجود ندارد و تا این مقدار مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

- **در جامعه ما آزادی‌های خیلی زیادی وجود دارد. هیچ جامعه‌ای در جوامع غربی نیست که خلاف آرمان‌های کلیدی خودش این قدر تحمل و سعه صدر داشته باشد. برای اینکه این یک سخن شعاری تلقی نشود و واقعیتی دیده شود باید دوربین‌ها به دست لشکر لشکر از نیروهای انقلاب قرار گیرد و این واقعیت‌ها با هنرمندی، در مستندها یا داستان‌هایی به تصویر کشیده شود.**

ریشه تاریخی سربریدن‌های امروز، طالبان دیروز است/چرا جریانات سیاسی لیبرال ما اصرار داشتند که باید با طالبان ارتباط برقرار کنیم؟!

- طبق فرمایش حضرت امام(ره) هنر آن است که به دفاع از مظلومان بپردازد. همین‌جا از ظالمانی که امروز دارند سر می‌برند، یاد کنیم. افراطیونی که سر می‌برند باید رسوا شوند. سؤال ما این است: جریانی که امروز سر می‌برند و با سرهای بریده توپ بازی می‌کنند، مگر ریشه تاریخی این جریان طالبان نبوده که اولین ظهور و بروزشان در افغانستان بود؟ پس چرا در کشور ما روزنامه‌ها و جریان‌های سیاسی لیبرال اصرار داشتند که جمهوری اسلامی باید با طالبان ارتباط برقرار کند؟! در حالی که در همین جمهوری

اسلامی وقتی می‌خواستند به رقبای سیاسی خود ناسزا بگویند، به آنها می‌گفتند: طالبان! در آن موقع صرفاً مقام معظم رهبری، در مقابل اینها مقاومت کردند و اجازه هرگونه برقراری ارتباط سیاسی با طالبان را ندادند.

- باید دید که واقعا چه کسی علیه افراطی‌گری است؟! بهتر است ببینیم آن کسانی که افراطی هستند و سر می‌برند در سخنان امام(ره) چه جایگاهی دارند. **حضرت امام(ره) در طول حیات شریفشان ده مرتبه از کلمه «لیبرال‌ها» استفاده کردند که هر ده مرتبه در سال آخر عمر ایشان است و هر ده مرتبه در کنار کلمه «لیبرال‌ها» از کلمه «منافقین» استفاده کرده‌اند.** چون لیبرال‌ها خودشان را میانه‌رو و معتدل نشان می‌دهند و منافقین هم یک چهره افراطی دارند. حضرت امام(ره) چهره خشن منافقین را این‌گونه توصیف می‌کنند: «ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند... کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهیدداده ما راهی ندارند.» (صحیفه امام/ج ۲۱/ص ۳۲۶)

در ادبیات امام(ره) کسانی که فرهنگ لیبرالی را در جامعه منتشر می‌کنند با افراطیونی که سر می‌برند هیچ

تفاوتی ندارند/ ما سکولارها را با تروریست‌هایی که در سوریه جنایت می‌کنند، یکی می‌دانیم

- وقتی در ادبیات حضرت امام(ره) کلمه منافقین در کنار لیبرال‌ها قرار می‌گیرد، با توضیحی که خود امام(ره) بیان می‌کنند معلوم می‌شود منظور از منافقین همان «افراطیون» است، یعنی امام(ره) این افراطیون را در کنار لیبرال‌ها قرار می‌دهد. آیا این معنادار نیست؟! یعنی در ادبیات امام(ره) آن کسانی که فرهنگ لیبرالی را در جامعه منتشر می‌کنند با افراطیونی که سر می‌برند هیچ تفاوتی ندارند و با هم یکی هستند.
- همان دولت منحوس انگلیس و آمریکا که رسماً به تروریست‌های سوریه کمک می‌کند، همان دولت با همان بودجه به کسانی که فرهنگ لیبرالی را در جهان منتشر می‌کنند، کمک می‌کند. ما بین افراطیون و لیبرال‌ها فرقی نمی‌بینیم. لذا ما سکولارها را با تروریست‌هایی که در سوریه جنایت می‌کنند، یکی می‌دانیم. تفاوت چندانی بین این دو گروه نیست. اینها مظلومان تاریخ را دست به دست می‌کنند. هنرمندی هم که عملش بدتر از تروریست‌هاست، هنرمندی است که فقط یک قسمت زیبای غرب را نشان بدهد و مردم را فریب دهد و سایر قسمت‌ها را نشان ندهد.

- **نجات مظلومان از دست تروریست‌های افراطی خون‌آشام همان قدر واجب است که نجات مظلومان از دست لیبرال‌ها واجب است و این اقتضای ادبیات امام(ره) است.** جالب این است که افراطیون خون‌آشام وقتی می‌خواهند جبهه حق را بکوبند، آنها را با اتهام‌های لیبرالی می‌کوبند و لیبرال‌هایی که دوقولهای همسان تروریست‌های افراطی هستند، وقتی می‌خواهند جبهه مقاومت را بکوبند آنها را با برچسب‌های افراطی می‌کوبند و در این میان جبهه مهربان مقاومت قرار دارد که تنها و مظلوم است. عمار یاسر هم در طول تاریخ گاهی محکوم به افراطی‌گری شده است در حالی که امام مظلوم او را افراطیون به شهادت رسانده‌اند.

- **تا وقتی ما به اینجا نرسیم که به لیبرال‌ها و تروریست‌های خون‌آشام به یک چشم نگاه کنیم، نمی‌توانیم عضو جبهه مقاومت باشیم و نمی‌توانیم به خوبی از حق دفاع کنیم. افراطی‌گری عین تفریط‌گری است و البته هر کدام از اینها خودشان را عین حق می‌دانند! و در این میانه باید جبهه حق را پیدا کرد.**

- در تاریخ، یک کسی بود که وقتی سرها و دست‌های بریده در جنگ جمل را دید، آمد مقابل امیرالمؤمنین(ع) و گفت: آیا این درست است؟! آیا ما کار درستی کرده‌ایم که این قدر آدم کشته‌ایم. او به ظاهر کار امیرالمؤمنین(ع) را افراطی می‌دانست و به تعبیری یک نگاه لیبرال مسلکی در نگاهش بود. حالا فکر می‌کنید سرنوشت این آدم چه شد؟ او یکی از حامل‌های سر مطهر اباعبدالله الحسین(ع) از کربلا به کوفه بود. در آن موقع یک کسی باید از او می‌پرسید: آیا این درست است؟! از نظر تو، اینکه شورشیان بر زمین افتاده بودند درست نبود، اما حالا که سر امام حسین(ع) را جدا کردید درست است؟!

اگر منتظر تشویق سالن باشید هنر شما از اصالت فاصله گرفته است

- شما هم در تولید آثار هنری‌تان تنها خدا را در نظر بگیرید. اگر شما منتظر تشویقی در سالن باشید هنر شما از اصالت فاصله گرفته است. کاری نکنید که امام زمان که در تنهایی برای مطلوبان اشک می‌ریزد او برای اثر شما لبخند بزند.
- فیلمی که الان در سالن پخش شد (فیلم لکه) یک حسن بزرگی داشت. و آن این بود که قطعات مختلف زمان را به هم نزدیک می‌کرد. کافی است سر میز تدوین زمان‌ها به هم نزدیک شود در آن صورت تمام حقایق روشن می‌شود. آن زمان ماهیت جریان‌ها و افراد را متوجه می‌شویم
- به عنوان نمونه برخی افراد بودند که زمانی پس از انقلاب می‌گفتند باید هر کسی پول دارد، پولش را بگیریم، و حالا طرفدار اقتصاد لیبرالی سرمایه داری غربی شده‌اند. داستان‌هایی که زمان‌هایی دور را به هم نزدیک می‌کنند خود به خود عمیق می‌شوند. مثل روضه ای که برای شما خواندم. کسی که آن طور به امیرالمؤمنین علی(ع) اعتراض می‌کرد خودش حامل سر حسین بن علی(ع) شد.

تمام تکیه نظام سلطه بر فراموشی ملت هاست/ اگر این حافظه بیدار شود غوغا می‌شود

- یک خبر خوب به شما بدهم. تمام تکیه نظام سلطه بر فراموشی ملت هاست. در نگاه آن‌ها یک خبر بیشتر از سه سال در ذهن ملت‌ها نمی‌ماند. البته ملت‌هایی که فراموشکار بارشان آورده‌اند. اگر این فراموشی کنار زده شود غربی‌ها با تمام رسانه‌هایشان نیز نمی‌توانند حرفی بزنند و تأثیری بگذارند. اگر این حافظه بیدار شود غوغا می‌شود. البته این تنها در نزدیک کردن زمان‌ها رخ نمی‌دهد. گاهی اگر قطعات مکانی به هم نزدیک شود کار زیبا می‌شود. مانند این موضوع که نظام سلطه در جایی به فیلم‌سازان و هنرمندان پول می‌دهد و در گوشه‌ای دیگر از دنیا حامی تروریست‌ها است.

